

## تجار ارمنی و تجارت منسوجات در عهد صفوی

ارسلان زینلی<sup>۱</sup>

ابوالحسن مبین<sup>۲</sup>

### چکیده

روند فزاینده داد و ستدهای بازرگانی ایران عصر صفوی و سودآوری بالای آن سبب شد تا بازرگانان و سوداگرانی از اقوام و ملل گوناگون از جمله مسلمان، ارمنی، هندی، یهودی، کمپانی‌های هند شرقی و ... وارد فرایند تجاری حکومت صفویان شوند و نقش فعالی را در این چرخه ایفا کنند؛ اما در میان همه این دول، اقوام و اقلیت‌ها، بیش‌ترین نقش را ارمنه مسیحی داشتند. هدف پژوهش حاضر، تحقیق پیرامون تجار و بازرگانان ارمنی عصر صفوی می‌باشد. سؤال اصلی این است که تاجران ارمنی عهد صفوی در کدام کشورها و به تجارت چه نوع کالاهایی می‌پرداختند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که ارمنه در تجارت داخلی و خارجی فعالیت می‌کردند؛ آن‌ها در کشورهای آسیایی و اروپایی نیز به تجارت انواع کالاها مشغول بودند.

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع تاریخی، تطبیقی و توصیفی بوده و روش انجام کار به صورت کتابخانه‌ای و نحوه جمع‌آوری اطلاعات به شیوه فیش‌برداری است. یافته‌های اصلی این پژوهش نشان می‌دهد که ارمنه بازرگانی فعال و با بصیرت بودند که در تجارت داخلی و خارجی نقش مهمی داشتند و در دول عثمانی، هند، روسیه، هلند، انگلیس و ... به تجارت انواع کالاها به‌ویژه تجارت منسوجات مشغول بودند.

**واژه‌های کلیدی:** صفویه، تجار، ارمنه، منسوجات.

---

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران zeinaliarsalan@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران Mobayen2005@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲



## مقدمه

سلاطین صفوی با اتخاذ تصمیمات مناسبی مانند برقراری روابط با دول دیگر، پیوند دادن قلمرو خود به مسیرهای اصلی تجارت جهانی و منطقه‌ای، آزادی مذهبی برای خارجی‌ان، حذف و کاهش عوارض گمرکی، ایجاد مقررات گمرکی در جهت تقویت صادرات و واردات کالا، جلوگیری از قاچاق کالا، معافیت‌های تجاری، کاهش مالیات، تعمیر و گسترش شبکه‌های آبیاری یا قنات‌ها، ایجاد و بازسازی کاروانسراها، ساخت پل‌ها، راه‌ها و نگهداری و تأمین امنیت آن‌ها، برقراری ایستگاه‌های حفاظتی در بین راه‌ها، دریافت عوارض راهداری و قلع و قمع راهزنان باعث شدند، تا امنیت در سراسر کشور به وجود آید. این روند باعث شد تا بازرگانان و سوداگرانی از اقوام و ملل مختلف وارد فرایند تجاری صفویان شوند. که از نظر مذهبی و نژادی متفاوت بوده و شامل مسلمانان، مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان، هندیان و کمپانی‌های هند شرقی انگلیس (ایک)³، هلند (واک)⁴ و کمپانی هند شرقی فرانسه می‌شدند. اقلیت مسیحی اغلب از ارامنه تشکیل شده بودند؛ تجار ارمنی به خاطر بصیرتشان در کار تجارت ابریشم و موقعیت مکانی و امتیازهایی که توسط دولت به آن‌ها اعطا شده بود از دیگر اقلیت‌ها برجسته‌تر بودند. و همپای کمپانی‌های هند شرقی به تجارت خارجی می‌پرداختند.

## پیشینه پژوهش

این پژوهش به تجار و بازرگانان ارمنی عهد صفوی می‌پردازد؛ گرچه مطالعات و تحقیقات فراوانی در این خصوص صورت گرفته، لیکن به ندرت تحقیق مستقلی در این باره وجود دارد؛ لذا در اینجا به بررسی تحقیقات مرتبط با موضوع اشاره می‌شود.

رودلف. پ. متی در کتاب **اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی** و مقاله «تجار در عصر صفوی ۱ (شرکا و دیدگاه‌ها)»، تاریخ اقتصادی دوره صفوی را بیان می‌کند. متی در این پژوهش‌ها به وضعیت تجارت و دست‌اندرکاران تجارت خارجی از جمله ارمنیان، یهودیان،

3- E.I.C (English East Indian Company).

4- V.O.C (Dutch Vereenigde Oostidische Compagine).

هندی‌ها و مسلمانان در این دوره می‌پردازد. کتاب **تاریخ ایران دوره صفویان** پژوهشی از دانشگاه کمبریج و **ایران عصر صفوی** نوشته راجر سیوری در لابلای مباحث کتاب به تجارت خارجی و تجارت این دوره اشاره می‌کنند. واهان بایوردیان نیز در کتاب **نقش ارامنه ایران در تجارت بین‌المللی تا پایان سده ۱۷ میلادی** از نقش بازرگانان ارمنی در داد و ستد بین‌المللی در این دوره سخن می‌گوید. ابوطالب سلطانیان در مقالات «کارکرد ارمنیان جلفا در اجرای سیاست انحصار ابریشم و گسترش بازرگانی خارجی ایران» و «کارکرد ابریشم و نقش بازرگانی ارمنی در اقتصاد و سیاست صفویان (از دوره شاه عباس یکم تا پایان حکومت صفویان)» و شکوه‌السادات اعرابی‌هاشمی در مقاله «نقش ارامنه در تجارت خارجی صفویه»، به نقش ارامنه در تجارت خارجی دوره صفویه، اقلام و کالاهای تجاری و ... می‌پردازند.

### ارمنیان و تجارت

شاردن می‌نویسد: «در ایران تجارت در اختیار مسیحیان و هندیان غیرمسلمان است، ایرانیان به بازرگانی در ایالات و ولایات کشور خود و تجارت عمده هندوستان اشتغال دارند، و ارمنیان تمام معاملات اروپا را در دست خویش دارند» (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۶۷/۴). تاورنیه نیز در خصوص تجارت صفویان می‌نویسد: تجارت ایران، مثل همه ممالک دنیا عبارت است از تجارت داخلی و خارجی؛ تجارت داخلی در دست ایرانیان و یهودیان است، اما تجارت خارجی به کلی در تصرف ارامنه است، که عامل پادشاه و بزرگان مملکت می‌باشند و به معاملات ابریشم مشغول هستند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۹۶). در عهد صفوی، اقلیت مسیحی که اغلب ارمنی بودند غالباً تاجر و توانگرند و تجارت کشور را قبضه کرده‌اند (دلواله، ۱۳۸۴: ۴۱). اولتاریوس هم معتقد است «بیش‌ترین و بهترین بازرگانان، ارمنی‌های مسیحی می‌باشند که در برون و درون کشور به آمد و رفت مشغول‌اند» (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۲۸۰).

سیاست اقتصادی شاه عباس اول این بود که مرکز بازرگانی بین‌المللی ابریشم که در سده ۱۶م شهر ارمنی‌نشین جلفا بود به داخل ایران منتقل شود و راه کاروان‌رو بازرگانی ابریشم از طریق



اصفهان و خلیج فارس رونق گیرد به همین خاطر آنان را به کوچیدن به اصفهان و ساکن شدن در آنجا مجبور کرد (گرائتوسکی، آ. آ. و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۳). شاید حیاتی‌ترین یاری شاه عباس به اقتصاد ایران، وارد کردن ارمنیان به ایران باشد (تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۴۵). پادشاهان صفوی، خصوصاً شاه عباس اول، به اقلیت‌های مذهبی مسیحی امتیازاتی دادند و در همه ادوار از وجود مسیحیان بهره بردند، و با بازرگانان ارمنی و هیأت‌های مذهبی از نظر کارهای تجاری روابط نیکویی برقرار کردند؛ ارمنیان نه تنها تجارت شاه را اداره می‌کردند؛ بلکه با بازرگانان اروپایی و کمپانی‌های هند شرقی نیز رقابت می‌کردند، در این دوره حتی به مسیحیان مأموریت‌های دیپلماسی دربار ایران نیز محول می‌شد (سیوری، ۱۳۸۵: ۱۹۵؛ صفاکیش، ۱۳۹۰: ۳۲۳). تجارت در عصر صفوی به‌ویژه در زمان سلطنت شاه عباس اول به اوج خود رسید تجارت داخلی و خارجی تشویق شد و تجار در فعالیت‌های تجاری خود امنیت بیشتری داشتند (نویدی، ۱۳۸۶: ۱۶۸). شاه عباس برای گسترش تجارت بین-المللی‌اش از اقلیت مذهبی ارمنه بهره وافر برد. او برای تجار ارمنی امتیازهای ویژه‌ای قائل شده بود؛ و رونق تجارت خارجی ایران در این دوره تا حد زیادی در گرو فعالیت‌های ایرانیان مسیحی و تجار ارمنی جلفای اصفهان بود (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۱۰۲؛ کریمی‌موغاری و خرمی-مقدمی، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

### دلایل مهاجرت ارمنه

پیش از آن که به نقش ارمنیان در تجارت خارجی بپردازیم، نگاهی به علل مهاجرت آنان، ضروری به نظر می‌رسد. ارمنیان پیش از مهاجرت، در زیستگاه اصلی و تاریخی خود یعنی؛ در نواحی ارمنستان، گرجستان، شیروان، نخجوان و جلفای ارس ساکن بودند و بزرگ‌ترین جمعیت مسیحیان ایران را تشکیل می‌دادند. آنان وابسته به کلیسای گری گوری بودند و اسقف آنان در اچمیازین (اوج کلیسا)، واقع در ایالت چخورسعد (ایروان) اقامت داشت که متعلق به ایران بوده است (سلطانیان، ۱۳۹۱: ۲۹).



اما دلیل اصلی مهاجرت یا بهتر، کوچ اجباری ارمنیان از سرزمین‌های اصلی‌شان، جنگ‌ها و درگیری‌های طولانی میان ایران و عثمانی بود و هدف خالی کردن آن مناطق از سکنه به دلایل نظامی، اقتصادی، انسانی، افزایش جمعیت و مالیات‌پردازان ایران و رونق گرفتن تجارت به واسطه تجار ماهر ارمنی بود (درهوهانیان، ۱۳۷۹: ۹). از اهداف دیگر شاه عباس می‌توان به، تضعیف بازرگانی دولت عثمانی، ایجاد راه جدیدی برای تجارت از طریق مرتبط ساختن اصفهان به بندرعباس، شکستن وحدت نیروهای غیر ایرانی و مخالف دولت صفوی، به کار گرفتن طبیعت ساعی، مقتصد و تخصص تجاری بازرگانان ارمنی، انتقال صنعت‌کاران و صاحبان حرف به مرکز ایران اشاره نمود (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۱۰۲؛ سیوری، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

از این رو، چنان که دلاواله نیز اشاره می‌کند، شاه تا حد امکان، حوالی مرزها را از سکنه خالی کرده و آنان را به مرکز انتقال داد و زمین‌های دیگری در اختیارشان گذاشت تا هم بقای آنان در مملکت تضمین گردد و هم شهر اصفهان بزرگ‌تر، ثروتمندتر و زیباتر شود؛ به دلایل یادشده، شاه عباس در فاصله سال‌های ۱۰۱۳ تا ۱۰۱۷ ق، هزاران نفر از ارمنیان را از نواحی مرزی شمال و شمال غربی، به مناطق داخلی ایران کوچاند و در شهرهای تبریز، قزوین، گیلان، انزلی، دربند و کاشان اسکان داد، ارمنیان جلفای ارس را که حدود سه هزار خانوار بودند، در آن سوی زاینده رود اصفهان اسکان داد (دلاواله، ۱۳۸۴: ۲۸).

شاه عباس در حومه شهر اصفهان در ساحل زاینده‌رود به ارمنیان مهاجر که عمدتاً از اهالی نخجوان، ایروان و جلفای ارس بودند، اجازه داد خانه و کاشانه‌ای برای خود بسازند آنان نیز برای حفظ نام شهر پیشین خود نام مکان جدید را جلفای‌نو برگزیدند. شاه امتیازات چشم‌گیری به بازرگانان و پیشه‌وران ارمنی می‌دهد حتی اجازه می‌دهد ارمنیان کلیساهای خود را بنا نهند و دادگاه‌های خود را داشته باشند؛ جلفای‌نو پس از مدت کوتاهی به یکی از کانون‌های مهم بازرگانی ایران تبدیل شد و بازرگانان ارمنی آنجا که اصطلاحاً خوجا یا خواجه نامیده می‌شدند؛ در سده ۱۷ و ربع نخست سده ۱۸ میلادی به عنوان چهره‌های فعال بازرگانی و رونق‌دهندگان روابط تجاری و اقتصادی ایران با کشورهای اروپایی، هند، عثمانی و روسیه در آمدند





(باغدادساریان، ۱۳۸۰: ۱۱؛ باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۲: ۱۱۵). همچنین یک باب مدرسه بازرگانی به کوشش کست‌اند جوغایتسی در جلفای نو تأسیس شد که در دوران حیات خود بیش از ۲۵۰ نفر فارغ‌التحصیل داشته است و بازرگانان آینده در این مدرسه به تحصیل حساب، قرائت، کتابت و توصیه‌هایی برای بازرگانی می‌پرداختند (بایوردیان، ۱۳۷۵: ۷۴). سانسون نیز در خصوص امتیازات ارمنیان می‌نویسد: «شاه ایران از آرامنه و مسیحیان خارجی که برای تجارت به ممالک شاهنشاهی او می‌آیند خراج نمی‌گیرد (سانسون، ۱۳۴۶: ۳۴).

شرایط مساعدی که دولت ایجاد کرده بود و امتیازاتی که شاه در اختیار بازرگانان ارمنی قرار داد، به خواجه‌های جلفا امکان داد تا فعالیت‌های تجاری، اقتصادی به ویژه تجارت خارجی ایران را به طور بی‌سابقه‌ای گسترش دهند. متعاقب آن، مرکز تجارت بین‌المللی ابریشم، به شهر ارمنی نشین جلفای نو منتقل شد و خواجه‌های آن تبدیل به عوامل عمده انحصار تجارت ابریشم گردیدند.

مشارکت فعال آرامنه در تجارت راه دور، در دوره صفویه تردید ناپذیر است. تمام شاهدان هم عصر، نقش بسیار مهم آرامنه را در تجارت اواخر دوره صفویه تأیید می‌کنند (متی، ۱۳۸۴: ۹۵). حلقه‌های واسطه و کلیدی تجارت داخلی و خارجی ایران عصر صفوی، بازرگانان ارمنی بودند؛ تجار ارمنی در این عصر پیشرفت بسیاری نمودند و توانستند در امپراتوری‌های عثمانی، هند و سرزمین‌های اروپایی روابط بازرگانی برقرار نمایند و نه تنها به عنوان نمایندگان تجاری ایران به فروش ابریشم ایران بپردازند، بلکه علاوه بر این‌ها در فعالیت‌های بازرگانی خویش نیز مستقل عمل کنند (فوران، ۱۳۹۶: ۶۵). دامنه قدرت تجاری آرامنه خیلی گسترده بود و قسمت اعظم تجارت میان ایران و روسیه در دست آنان بود (لاکهارت، ۱۳۴۴: ۶۶). همچنین آن‌ها با شهرهای مهم اروپایی (ونیز، مارس، آمستردام و...)، هندی (مدرس و...) و آسیای شرقی (جاوه و...) در ارتباط بودند و شبکه‌ای قومی و خانوادگی تشکیل می‌دادند که با دارا بودن سرمایه اجتماعی، فرهنگی و دانش در ایجاد و شکوفایی شبکه‌های اقتصادی بسیار موفق بودند (نرسیسیانس، ۱۳۹۰: ۶۲). با اینکه ارمنیان در فرانسه خیلی موفق نبودند ولی در عوض در

هلند بهتر توانستند جای پا باز کنند و گروهی از تجار با نفوذ آن‌ها در آمستردام مستقر شدند (تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۴۶). شاه عباس توانست با مالکیت انحصاری ابریشم و بهره‌گیری از نبوغ تجاری ارمنیان از طریق رایزنی با کشورهای اروپایی و گشایش نمایندگی‌های فروش ابریشم در هلند، ونیز و لندن تحرکات جدی در نظام تجارت خارجی به وجود آورد (تقوی، ۱۳۸۸: ۵۸).

ابریشم خام و پارچه‌های ابریشمی، شاخص‌ترین اقلام صادراتی ایران در زمان شاه عباس اول، به شمار می‌آمدند. تولید، تجارت و صادرات این اقلام در انحصار شاه بود. تا پیش از او ابریشم تولیدی ایران توسط بازرگانان ارمنی که در جلفا در شمال رود ارس زندگی می‌کردند، عمدتاً از طریق قلمرو عثمانی به اروپا صادر می‌شد. اما شاه عباس که راه عثمانی را برای صادرات ابریشم خام و پارچه‌های ابریشمی ناامن می‌دانست و نمی‌خواست به دشمن خود عوارض ترانزیت کالا بپردازد، تصمیم گرفت تا ابریشم خام و سایر کالاهای صادراتی خود را از طریق خلیج فارس به اروپا صادر کند. بازرگانان ارمنی ابریشم خام تولیدی در مناطق مختلف و منسوجات ابریشمی بافته شده در کارگاه‌های سلطنتی اصفهان و سایر مناطق، را از راه اصفهان به بندرعباس منتقل و از آنجا به اروپا صادر می‌کردند (قاضی مرادی، ۱۳۸۲: ۱۹۴). بازرگانان ارمنی جلفای نو، کارگزاران شاه در صدور ابریشم و معامله با خارج بودند در آن زمان ابریشم خام و پارچه‌های ابریشمی از کالاهای مهم صادراتی ایران به شمار می‌آمد (گرائتوسکی، آ. آ. و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۳). ارمنه علاوه بر ابریشم، تجارت قماش را نیز در انحصار خود داشتند؛ در این گونه موارد، سودی که عاید ارمنیان می‌شد، معمولاً در ایران باقی می‌ماند. اما در مورد تجار و شرکت‌های خارجی که شاه از آن‌ها حمایت می‌کرد، چنین نبود. بدون تردید آنان برای ایران در اروپا بازار فروش ایجاد می‌کردند ولی در این حال، سود حاصل از معاملات را نیز از ایران بیرون می‌بردند (اعرابی‌هاشمی، ۱۳۷۹: ۷۰).

ارمنیان با خود سکه‌های طلا، به ایران می‌آوردند، و به سکه رایج تبدیل می‌کردند و از این طریق مبلغی سود می‌بردند و شاه نیز از آن برخوردار می‌گشت. تاورنیه می‌نویسد: «تمام طلا





و نقره ایران از ممالک خارجه خصوصاً اروپا می‌آید، از عهد سلطنت شاه عباس اول تا دوره شاه عباس ثانی، پول نقره در ایران زیادتر دیده می‌شد، به جهت این که تجار ارمنی از اروپا می‌آوردند و در ایران به سکه مملکتی مسکوک می‌شد. اما چند سال است پول نقره خیلی کم شده است، زیرا که ارامنه غیر از دوکای طلا و سکن چیزی نمی‌آورند و جهتش این است که علم و مهارت پنهان کردن پول طلا را در لباس خود آموخته‌اند که هم از دزدان و طاران خاک عثمانی در امان بمانند و هم از تفتیش گمرکچی‌های متعدد خلاص شوند» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۶۴).

### دلایل موفقیت ارامنه در تجارت

به نظر می‌رسد ارامنه ویژگی‌های بسیاری داشتند که در تجارت، آن‌ها را برجسته‌تر از دیگر تجار این دوره کرده بود؛ آن‌ها، مردمانی با ویژگی‌های ستودنی، پرکار، دارای درک تجارت و روشنفکر بودند؛ بی جهت نیست که شرر کارشناس تاریخ بازرگانی بین‌المللی، بازرگانان ارمنی سده ۱۷ میلادی را جسور، پیشرو، کوشا و آشنا به مصائب و دشواری‌ها قلمداد کرده است. بدین‌سان، بی‌اعتنایی نسبت به دشواری‌ها، صبر و شکیبایی، تلاش‌گری و زحمت‌کشی و پشتکار زیاد در راه رسیدن به هدف، از خصوصیات اصلی خواجه‌های ارمنی بود (رو، ۱۳۹۱: ۳۸۹؛ بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۷۵). از سوی دیگر، به گفته تاورنیه علاوه بر هم‌کیشی و قرابت مذهبی ارامنه با مسیحیان اروپا، ارمنیان در کمپانی‌ها و شرکت‌های بزرگ تجاری نه تنها به عنوان عاملان تجاری اروپاییان بلکه به صورت مترجمانی که به چند زبان تسلط داشتند به کار می‌پرداختند و به زبان ارمنی که یکی از زبان‌های متداول بود تکلم می‌کردند، بیشتر تجار ارمنی، فارسی و ترکی را می‌دانستند و تعدادی از آن‌ها قادر به صحبت کردن به زبان‌های ایتالیایی و فرانسوی نیز هستند که در مسافرت‌های اروپا آموخته‌اند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۸). کاری نیز عنوان می‌کند که ارامنه متمول‌ترین افراد کشور هستند، چه شاه به آن‌ها وام‌های



طویل‌مدتی داده و هم تجارت خارجی ابریشم با آنها است، ضمناً بسیار قانع و مقتصد نیز هستند و در سفر پول ته جیب آنها می‌روید (جملی کارری، ۱۳۸۵: ۵۴).

تاورنیه روحیه صرفه‌جویی، قناعت‌پیشگی، بنیه‌قوی، خستگی‌ناپذیری و مسیحی بودن ارامنه را عامل پیشرفت تجاری آنها می‌داند و می‌افزاید، ارامنه به واسطه امساک فوق‌العاده و قناعتی که داشتند یا از روی صفات حسنه یا خستی که داشتند به وجودشان در کار تجارت خیلی نافع بود. وقتی که برای سفر طولانی از خانه خود بیرون می‌رفتند آذوقه و ذخیره‌ای که با خود برمی‌داشتند عبارت از نان خشک، گوشت دود زده، پیاز، روغن داغ کرده، آرد، شراب و آجیل بود. گاهی می‌شود که در مراجعت از فرانسه و ایتالیا مقداری از آذوقه وقت رفتن را به خانه خود برمی‌گردانند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۶). توانایی ارائه پاسخ سریع به تقاضاهای بازار، پایین بودن سقف هزینه و میزان سود اندکی که به آن بسنده می‌کردند نیز از دلایل موفقیت آنان بود (متی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). از دیگر دلایل ترقی جلفاییان تا این اندازه در تجارت، آمادگی این قوم برای این حرفه، خیانت نکردن، وفای به عهد، زیرکی، کاردانی، کوشش و جدیت، خستگی-ناپذیری، مهارت در حسابداری، علاقه به یکدیگر، پرسودی حرفه تجارت و کثرت شمار آنها است (درهوهانیان، ۱۳۷۹: ۱۱۵). همچنین ارامنه از یک شبکه عالی تجاری استفاده می‌کردند، انواع مشارکت‌های تجاری، نظیر کاماندا (نظیر مضاربه نزد مسلمانان) که آنها از آن استفاده می‌کردند؛ وجود جماعت‌های ارمنی در سرتاسر اروپا و آسیا میزان خطرپذیری معاملات بازرگانی را کاهش می‌داد و این امر در دنیایی که متکی بر گزارش‌های شفاهی و شایعات برای کسب خبر بود، اهمیت زیادی داشت و تسهیلات اعتباری منحصر به فردی در اختیار آنها قرار می‌داد و کانال‌های ارتباطی ارزشمندی به آنها ارائه می‌کرد؛ آگاهی دقیق آنها از راه‌ها و بازارها و انعطاف‌پذیری بسیار ایشان شرایط را برای موفقیت تجاری آنها تکمیل می‌کرد (متی، ۱۳۸۷: ۱۱۱).





ارمنیان، با هماهنگی و همکاری یکدیگر، یک قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی را به وجود آورده بودند؛ از آنجا که در بازرگانی و اقتصاد کشور نقشی بنیادی داشته‌اند، شاه نیز نمی‌توانست در تصمیمات سیاسی-اقتصادی خود آنان را نادیده بگیرد. کمپانی‌های بزرگ خارجی نیز هر کدام ترجیح می‌دادند که در مسائل گوناگون تجاری به گونه‌ای با بازرگانان ارمنی کنار آیند و روابط خود را با آنان تنظیم نمایند تا بتوانند از همکاری بیشتر آنان برخوردار شوند. زیرا آنان دیگر نه تنها توان رقابت و مخالفت با ارمنیان را نداشتند؛ بلکه چنین روش‌هایی را نیز به سود خود نمی‌دیدند (سلطانیان، ۱۳۹۱: ۴۰).

به عنوان مثال پس از مخالفت ارامنه با قرارداد فروش انحصاری ابریشم ایران به عمال شرکت هند شرقی، شاه‌عباس در سپتامبر ۱۶۱۹ م فرمان داد که نمایندگان اسپانیایی و شرکت انگلیسی و ارمنیان در دیوانخانه گرد آیند و ابریشم ایران به مزایده گذاشته شود، تا هر کس گران‌تر خرید به او بفروشند (بایوردیان، ۱۳۷۵: ۱۷۳). در بین مجلس نماینده اسپانیایی به بهانه آنکه دستوری برای تعیین قیمت ابریشم از دولت خود ندارد، سخنی نگفت، انگلیسان هم که نمی‌خواستند ابریشم را به مزایده با شاه معامله کنند، خاموش ماندند و تنها ارمنیان برای اینکه دیگران را از میدان بیرون کنند، حاضر شدند ابریشم را به بهای گزافی که سابقه نداشت، بخرند و نمایندگان شرکت هند شرقی انگلیس پس از این پیش‌آمد، چون معامله ابریشم را با ارامنه به سود و صلاح خود ندیدند، آن سال از خرید و صدور آن متاع چشم پوشیدند، و مقداری پارچه‌های گوناگون، قالی و امتعه دیگر خریدند و با کشتی‌های خود به اروپا فرستادند (فلسفی، ۱۳۴۱: ۲۶۶/۴).

### دامنه نفوذ بازرگانان ارمنی در نجارت بین‌المللی

جورج ساندریس سیاح انگلیسی که در سال ۱۶۱۰ م از قسطنطنیه دیدن کرده است چنین گواهی می‌دهد که بازرگانان انگلیسی در این شهر می‌توانند قالی ایرانی، بافتنی‌های تهیه شده از پشم بز، دیبا، ابریشم خام و... را تهیه کنند که از طریق جاده زمینی و توسط بازرگانان ارمنی از

ایران به اینجا آورده می‌شوند (بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۶۳). از اواسط قرن شانزدهم، تجار ارمنی عاملان برجسته تجارت میان ایران و سواحل مدیترانه بودند؛ جایی که تعداد کثیری از آن‌ها در بندرگاه‌های راه‌های معتبر متعددی، نظیر حلب و لیوانو مشغول کار و زندگی بودند؛ بعد از اینکه شاه عباس اول در ۱۰۲۸ ق/ ۱۶۱۹ م حقوق انحصاری صادرات را به ایشان اعطا کرد، تقریباً انحصار ابریشم را میان ایران و لوانت در عثمانی به دست آوردند و اگر چه این حقوق رسمی، یک دهه بعد با لغو انحصار تجارت ابریشم توسط شاه صفی اول منسوخ شد، ولی باز هم تا پایان دوره صفوی، تجارت زمینی ابریشم تحت سیطره ارامنه بود (متی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). ابریشم ایران با اهمیت‌ترین کالایی بود که اروپایی‌های مشغول به تجارت در امپراتوری عثمانی از ارمنی‌ها می‌خریدند، بازرگانان ارمنی در ازمیر نیز ابریشم ایران را به اروپائیان، ترجیحاً به فرانسویان، می‌فروختند (تقوی‌فر و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱؛ سلطانیان، ۱۳۹۱: ۸۵).

مشارکت بازرگانان ارمنی ایران در تجارت سرزمین‌های شرقی دریای مدیترانه پس از بسته شدن پیمان سال ۱۶۳۹ م میان ترکیه و ایران، وارد سیر صعودی شد. بازرگانان ارمنی غربی نیز عملیات تجاری خود را فعال‌تر کردند. بازرگانان ارمنی در حلب، اسکندرون، ازمیر، تریپولی، استامبول و دیگر شهرها تجارت بی‌سابقه خود را گسترش دادند. نماینده تجاری انگلیسی در استانبول اقرار کرده بود در این شهر که انگلیسیان دارای پایگاه تجاری قوی بودند، تجارت ابریشم خام عمدتاً در دست بازرگانان ارمنی قرار داشت (بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۷۵).

ارمنیان در تمام جهان و اکثراً در کشورهای روسیه، ونیز، هلند، عثمانی، فرانسه، هند و مراکز تجاری ترانزیتی مهمی چون کابل، قندهار، هرات، ازمیر، ارض‌روم، حلب و بندرعباس مستقر بودند. تجارت ارمنیان با دیگر کشورها، هم به کوشش خودشان و هم با کمک کمپانی‌های

هلندی و انگلیسی انجام می‌شد (بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۷۵؛ سلطانیان، ۱۳۹۰: ۹۲). شاه عباس محصول ابریشم را در اختیار بازرگانان بزرگ ارمنی می‌گذاشت تا به کشورهای اروپایی ببرند و پس از فروختن، بهای آن را به قیمت منصفانه‌ای که شاه تعیین کرده بود پردازند ارامنه ابریشم را به قیمت‌های گزاف در اروپا می‌فروختند و در عوض امتعه و اجناس فرنگی مانند





پارچه‌های ماهوت از انگلستان و ظروف بلور و آینه و گردنبندهای مروارید بدلی و امثال آنها از ونیز و سایر کشورهای اروپایی به ایران می‌آوردند و به چندین برابر بهای اصلی معامله می‌کردند (فلسفی، ۱۳۴۱: ۲۱۹/۳).

ارمنیان جلفا طی دوره‌هایی که دولت فرانسه اجازه فعالیت در ماری می‌داد، بخش عمده ابریشم ایرانی را وارد این بندر می‌کردند. ارامنه و تجار دیگر در ازای ابریشم و سایر کالاهای ایرانی، مانند روناس، احشام و خشکبار، مقدار زیادی پارچه از لوانت به ایران می‌آوردند (متی، ۱۳۸۴: ۹۶). به نظر می‌رسد تجار ارمنی نه فقط در مورد تجارت ابریشم، بلکه در اقسام فراوانی از تجارت در مناطق دوردست در نقاط شمالی ایران حرف اول را می‌زدند (متی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). تجار ارمنی بر اساس اعتماد متقابل و آشنایی با شرایط فرهنگی، اجتماعی و دانش قادر بودند با رقبای اروپایی رقابت کنند. آنها علاوه بر کنترل راه‌های زمینی دارای کشتی‌های تجاری و حتی نیروی دریایی لازم برای تجارت دریایی هم بودند (نرسیسیانس، ۱۳۹۰: ۶۲). ارمنیان در امر ورود و صدور ابریشم و پارچه، سلطه خود را بر بازرگانی ایران استوار ساختند و با برپایی مغازه‌هایی در بازارها و شبکه‌ای از ارتباطات مملکتی منافع خود را در تجارت داخلی گسترش دادند (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۳۲۵).

بی‌گمان ارمنیان ایرانی را باید از پیشگامان تجارت بین دو کشور ایران و هند دانست. شواهد نشان می‌دهند که پیشگامی آنان در این زمینه، به آغاز قرن شانزدهم میلادی باز می‌گردد؛ از اواخر قرن شانزدهم نیز بندر مهم تجاری سورات در گجرات، بازرگانان ارمنی را جذب کرد و پس از آن لاهور توانست ارمنیان را جذب نماید (سلطانیان و مرادی، ۱۳۹۱: ۸۹). مشارکت ارامنه در تجارت با هند سرانجام راه‌های زمینی را نیز مانند راه‌های دریایی در بر گرفت؛ بیشتر تجارت پارچه که از سرزمین قندهار انجام می‌گرفت در دست ارامنه بود، حال آنکه حضور ارامنه ایرانی در هند فعالیت‌های تجاری آنها را از طریق خلیج فارس تسهیل می‌کرد. آنها در تجارت دریایی از تسهیلات باری کشتی‌های اروپایی و کشتی‌های خودشان استفاده می‌کردند (متی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). از آغاز سال ۱۶۲۶ م تا سال ۱۷۲۳ م ارمنیان جلفا تجارت ابریشم خام،

گوهرهای گران‌بها، مروارید و پارچه‌های دست‌باف را میان ایران، هندوستان و روسیه در دست داشتند (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

بازرگانان ارمنی در هند به فعالیت‌های تولیدی نیز می‌پرداختند کشیش فرانسوی رینال در این باره می‌نویسد: ارمنیان به هند می‌آمدند و پنبه می‌خریدند و آن‌ها را به تولید کنندگان بزرگ واگذار می‌کردند پارچه‌ها زیر نظر خودشان تولید می‌شد پارچه‌های آماده را از طریق بندرعباس به اصفهان می‌فرستادند و از آنجا به تمام استان‌های ایران، امپراطوری عثمانی و اروپا توزیع می‌کردند و در اینجا به آن‌ها پارچه ایرانی می‌گفتند در حالی که در سواحل کوروماندل تولید شده بود (بایوردیان، ۱۳۷۵: ۱۸۲).

در سال ۱۶۰۱ م پادشاه لهستان، بازرگان معروف ارمنی سفر موراتوویتز<sup>۵</sup> را برای مذاکره و برقراری روابط بازرگانی با ایران در مورد تجارت ابریشم، انجام دادن برخی کارهای مخفیانه سیاسی، ارزیابی توان نظامی، امکان اتحاد بین ایران و لهستان و خرید فرش‌های زیبای ایرانی به دربار صفوی فرستاد او به کاشان رفت تا سفارش‌های فرش ابریشم زرباف، چادر، سنگ‌های گران‌بها، شمشیر و... پادشاه لهستان را تهیه کند؛ برخی از این فرش‌ها جزء جهیزیه دختر پادشاه لهستان بودند (رکنی و یاشکوفسکی، ۱۳۹۳: ۸۰؛ جولانتاسیراکاسکا، ۱۳۸۳: ۵۸). که چهار تخته از این قالی‌ها که دوتای آن‌ها نقش عقاب سلطنتی لهستان را دارد اکنون در موزه رزیدنس شهر مونیخ نگهداری می‌شوند (مبین، ۱۳۸۸: ۱۰).

تجارت و دیپلمات‌های ارمنی به شدت در تجارت رو به رشد با غرب از طریق مسکو و آرخانگل در روسیه، درگیر بودند. آن‌ها در تلاش برای بازگشایی مسیر ایران به اروپا از طریق روسیه در اوایل قرن شانزدهم میلادی هنگامی که عثمانی، ایران را در محاصره اقتصادی قرار داده بود نقش کلیدی داشته‌اند آن‌ها به نقش فعال خود در مسیر ولگا ادامه دادند. آن‌ها بین سال‌های ۱۰۷۸-۱۰۸۴ ق / ۱۶۶۷-۱۶۷۳ م یک سلسله امتیازهای تجاری از مسکو به دست آوردند و در اواخر قرن هفدهم به طور فزاینده‌ای از روسیه به عنوان یک مسیر حمل کالا برای صادرات

<sup>۵</sup> - Sefer Muratowitz





ابریشم به اروپا استفاده کردند؛ تجار ارمنی همچنین به عنوان بخشی از فعالیت‌های خود در شمال با سوئد روابطی برقرار کردند؛ در سال ۱۱۰۳ ق/ ۱۶۹۲ م و ۱۱۰۸ ق/ ۱۶۹۶ م هیأت نمایندگان ارمنی از جلفای جدید به سرپرستی فیلیپ زاگلی، سیاح سوئدی و کورلند را به منظور یافتن مسیرهای تجاری که بتواند به عنوان راه جایگزین کوتاه‌تر به آرخانگل مورد استفاده قرار گیرد، بازدید کردند (متی، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

ارامنه مهم‌ترین کالایی که صادر می‌کردند ابریشم بود همچنین آن‌ها کالاهایی مانند پنبه، پشم، چرم روسی، چرم دباغی شده، پارچه‌های ابریشمی زربفت و انواع کالاهای تجاری را از طریق خاک روسیه به اروپا صادر می‌کردند (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۷). همچنین بازرگانان ارمنی از ایران، هند و کشورهای خاور نزدیک انواع پارچه، پشم شتر، ابریشم، ادویه، دیبای دمشق و غیره را به تسکانا وارد می‌کردند (بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۹۷).

بی‌تردید، تجارت بازرگانان ارمنی با سرزمین‌های شرقی دریای مدیترانه تنها به ابریشم خام و پارچه‌های حریر محدود نمی‌شد. آن‌ها انواع مختلف کالاها را مثل، ادویه، سنگ‌های قیمتی، پوست، پشم بز و شتر، رنگ‌های گیاهی، قالی، قهوه، گیاهان دارویی، زعفران، فلفل، میخک، گردوی مسقط، لاجورد، جیوه، سفال، گوگرد، برنج، توتون، بادام، کشمش، خشکبار، افیون، مرمر، شراب، ظروف سفالی و برنجی، ریواس، محموده (سقمونیا)، شیره درخت، مازو، زعفران، پنبه، شتر، جانوران شاخدار و ... به مراکز تجاری سرزمین‌های شرقی دریای مدیترانه می‌رسانند و از آنجا ماهوت، پارچه، آینه، شیشه، عینک، مرجان، کهربا، ساعت و نیز پوشاک پشمی، دیبای زربافت و سیمین، پارچه‌های مخمل، تفنگ، لوازم زینتی، شکر، کاغذ، سوزن، پول و انواع کالاهای دیگر هلندی و انگلیسی به مشرق زمین می‌آوردند. خریداران اصلی کالاهای بازرگانان ارمنی در سرزمین‌های شرقی دریای مدیترانه را فرانسویان، هلندیان و شهرهای ایتالیا و جمهوری‌های شهری (ونیز، جنوا، لیورنو، لوکا، فرارا، پیاچنزا و ...) تشکیل می‌دادند (بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۷۵).

## نتیجه گیری

تاجران عهد صفوی از نظر مذهبی و نژادی متفاوت بودند. به طور کلی، تاجران اقلیت مذهبی عهد صفوی عبارت بودند از: مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و هندیان، که اقلیت مسیحی اغلب از ارامنه تشکیل شده بودند؛ تجار ارمنی به خاطر بصیرتشان در کار تجارت ابریشم و منسوجات، موقعیت مکانی و امتیازهایی که توسط دولت به آنها اعطا شده بود، از دیگران برجسته تر بودند. حلقه های واسطه و کلیدی تجارت داخلی و خارجی ایران عصر صفوی تجار ارمنی بودند. تجارت خارجی به طور کلی در دست ارامنه قرار داشت که عامل پادشاه و بزرگان مملکتی بوده اند. رونق تجارت ابریشم و منسوجات ایران تا حد زیادی در گرو فعالیت های ایرانیان مسیحی و تجار ارمنی جلفای اصفهان بود. ارامنه در کشورهای اروپایی و آسیایی به فعالیت های تجاری می پرداختند و همپای کمپانی های هند شرقی تجارت می کردند و گاهی با آنان به رقابت نیز می پرداختند.

## منابع

- اولثاریوس، آدام (۱۳۸۵). سفرنامه آدام اولثاریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۲). سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: انتشارات صفی علیشاه، چ ۳.
- باغداساریان، ادیک (۱۳۸۰). نگاهی به تاریخ ارمنیان ایران، تهران: ناشر مؤلف.
- بایبوردیان، واهان (۱۳۷۵). نقش ارامنه ایرانی در تجارت بین المللی تا پایان سده ۱۷ میلادی، ترجمه ادیک باغداساریان، تهران: ناشر مؤلف.
- پژوهشی از دانشگاه کمبریج (۱۳۹۳). تاریخ ایران دوره صفویان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، چ ۶.
- تاورنیه ژان باتیست (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، بی جا: کتابخانه سنایی، چ ۲.



- جملی کاری، جوانی فرانچسکو (۱۳۸۵). **سفرنامه کاری**، مترجمان عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- دروهانیان، هاروتون (۱۳۷۹). **تاریخ جلفای اصفهان**، مترجمان لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی، اصفهان: نشر زنده رود.
- دسیلوا فیگوئروا، دن گارسیا (۱۳۶۳). **سفرنامه دن گارسیا**، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۴). **سفرنامه پیتر و دلاواله**، ترجمه، شرح و حواشی شعاع الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۴.
- رو، ژان پل (۱۳۹۱). **ایران و ایرانیان**، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: جامی.
- سانسون (۱۳۴۶). **سفرنامه سانسون**، به اهتمام و ترجمه تقی تفضلی، تهران: چاپخانه زیبا.
- سیوری، راجر (۱۳۸۵). **ایران عصر صفوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چ ۱۶.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵). **سیاحتنامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۵). **سیاحتنامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، چ ۷، تهران: امیرکبیر.
- صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰). **صفویان در گذرگاه تاریخ**، تهران: نشر سخن.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۱). **زندگانی شاه عباس اول**، چ ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۱). **زندگانی شاه عباس اول**، چ ۴، تهران: انتشارات کتاب کیهان.
- فوران، جان (۱۳۹۶). **مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران**، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۲). **تاملی بر عقب ماندگی ما**، تهران: نشر اختران.
- گرانوسکی، آ. آ. و همکاران (۱۳۸۹). **تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز**، ترجمه کیخسرو کشاورز، تهران: مروارید.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۴۴). **انقراض سلسله صفویه**، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



متی، رودلف، پ (۱۳۸۷). اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

میراحمدی، مریم (۱۳۶۳). دین و مذهب در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.

نویدی، داریوش (۱۳۸۶). تغییرات اجتماعی-اقتصادی در ایران عصر صفوی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: نشر نی.

## مطالعات

اعرابی‌هاشمی، شکوه السادات (۱۳۷۹). «نقش آرامنه در تجارت خارجی صفویه»، فصلنامه فرهنگی پیمان، س ۳، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۶۳-۵۲.

جولانتاسیراکاسکا، دایندو (۱۳۸۳). «مناسبات ایران و لهستان در دوران صفوی»، ترجمه خسرو مشهوری مقدم، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۵، ش ۲۰، صص ۶۸-۵۱.

تقوی، عابد (۱۳۸۸). «بازخوانی تحولات تجاری صنعت فرش در عصر صفوی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی گلجام، ش ۱۲، صص ۶۷-۵۵.

تقوی‌فر، حمید و همکاران (۱۳۹۷). «روابط بازرگانی دولت صفویه با عثمانی از دوره شاه صفی تا سقوط صفویان (۱۰۳۹ تا ۱۱۳۵ ق/ ۱۶۲۹ تا ۱۷۲۲ م)»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی، س ۵۴، دوره ۱۰، شماره پیاپی ۳۹، صص ۳۹-۲۵.

رکنی، محمد امین و یاشکوفسکی، ستانیسواف آدام (۱۳۹۳). «روابط ایران و لهستان در عهد صفویه»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۶، ش ۲، صص ۹۸-۷۹.

رنجبر، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۱). «روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه (۱۱۳۵-۹۹۶ ق / ۱۷۲۳-۱۵۸۸ م)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۳، ش ۵۱، صص ۷۸-۵۷.

سلطانیان، ابوطالب (۱۳۹۱). «کارکرد ارمنیان جلفا در اجرای سیاست انحصار ابریشم و گسترش بازرگانی خارجی ایران»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، س ۲، ش ۴، صص ۴۶-۲۷.



- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). «کارکرد ابریشم و نقش بازرگانی ارمنی در اقتصاد و سیاست صفویان (از دوره شاه عباس یکم تا پایان حکومت صفویان)»، پژوهشنامه علمی-پژوهشی تاریخ تمدن اسلامی، دوره ۴۴، ش ۲، صص ۱۰۱-۷۹.
- \_\_\_\_\_ و مرادی، انوش (۱۳۹۱). «روابط تجاری ایران و هند در دوره صفویان متأخر با تکیه بر نقش عناصر فعال در آن»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی، س ۴، شماره پیاپی ۱۶، صص ۱۰۲-۸۷.
- کریمی‌موغاری، زهرا و خرمی‌مقدمی، آزاده (۱۳۹۴). «بررسی عملکرد اقتصادی ایران در عصر صفوی و مقایسه آن با اروپای قرن ۱۷ با رویکرد نهادی»، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، س ۲۰، ش ۱۲۹، صص ۱۸۰-۱۴۳.
- میین، ابوالحسن (۱۳۸۸). «دیپلماسی ایران و لهستان در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی»، پژوهش‌نامه علمی-پژوهشی تاریخ، دوره ۴، ش ۱۶، صص ۱۹-۱.
- متی، رودلف. پ (۱۳۸۴). «تجار در عصر صفوی ۱ (شرکا و دیدگاه‌ها)»، ترجمه حسن زندیه، فصلنامه تاریخ پژوهان، علمی-تخصصی، قم، س ۱، ش ۱، صص ۱۱۵-۹۰.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۹۰). «تأثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، س ۳، ش ۲، صص ۷۳-۵۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

